

مسقط و دوحه؛ مقصد وزیر خارجه

دیپلماسی نیابتی ادامه دارد

فرهنگستان چندین ماه است که اخباری در مورد مذاکرات ایران با طرف آمریکایی در رسانه‌ها بازنشر می‌شود. مذاکراتی که تبادل زندانیان و آزادسازی بخشی از دارایی‌های ارزی بخشی از آن بوده و یکی از کشورهای منطقه نیز قرار است نقش کانال انتقال ارز را ایفا کند؛ نقشی که اگر به‌درستی ایفا شده و سخت‌افزارهای خوبی نیز برای آن تعریف شده باشد می‌تواند به توافق احیای برجام نیز تعمیم داده شده و در این توافق نیز به کار گرفته شود. روز گذشته اما خبری منتشر شد که صحت گزاره‌های پیشین را تا حدودی تأیید کرد. امیرعبداللهیان، وزیر امور خارجه کشورمان برای انجام دیدارهای دوجانبه با مقامات عمان راهی مسقط شد. حمیدرضا دهقانی، سفیر ایران در قطر نیز در صفحه توئیتر خود ضمن انتشار عکسی مشترک از خود و امیرعبداللهیان در اجلاس وین ۱ که چند سال پیش برگزار شده بود این گونه از سفر امیرعبداللهیان به قطر خبر داد: «از آن روز که خدمت جناب آقای دکتر امیرعبداللهیان، وزیر محترم امور خارجه در وین برای سوریه رفته بودیم تا امروز که در دوحه خدمت ایشان خواهیم بود، منطقه، همسایگان و سیاست همسایگی، نقش اول را در سیاست خارجی ما دارد.» سفر امیرعبداللهیان به عمان و قطر از این جهت حائز اهمیت است که به خاطر بیابوریم چندین ماه است ایران و آمریکا به‌طور غیرمستقیم در مسقط درحال مذاکره بوده‌اند و در رسانه‌ها نیز این خبر منتشر شده بود که دوحه قرار است به‌عنوان کانال واردات ارز به کشور عمل کند.

نقش قطر و عمان در مذاکرات بین باستور و کاخ سفید

یکی از مطالبات ایران در میز مذاکرات وین این بود که ایران بتواند منافع‌های ناشی از توافق احیای برجام را به‌صورت ملموس دریافت کند. طبعاً ایجاد کانال مالی برای وارد شدن منابع ارزی به حساب ایران یکی از ملزومات چنین مطالبه‌ای است. مذاکرات بر سر آزادسازی پول‌های بلوکه‌شده علاوه‌بر وارد شدن منابع ارزی این امکان را در اختیار تهران قرار می‌دهد که بتواند سازوکارهای ارزی پستاتوافق را نیز ارزیابی کرده و با رفع نواقص احتمالی از کارآمدی آن مطمئن شود. از آنجایی که در صورت آزادسازی منابع بلوکه‌شده ایران در کره جنوبی، این منابع باید از طریق سیستم مالی آمریکا کنترل شود و

ایران دسترسی مستقیم به این سیستم ندارد، باید کانال جدیدی ایجاد شود. ایجاد چنین کانالی نیاز به طراحی داشته و هزینه‌هایی را نیز در پی خواهد داشت. قطر پذیرفته‌است در راستای ایجاد این کانال ارزی ایفای نقش کرده و هزینه‌های احتمالی را نیز متحمل شود. حال ایران باید کانال ایجادشده توسط قطر را مورد بررسی قرار دهد. در صورت کارآمدی این سازوکار در رساندن منابع ارزی به ایران می‌توان امیدوار بود در توافق احتمالی بازگشت به برجام نیز از آن بهره برده شود. عمان، ضلع دیگر محور واسطه‌گری است که تاکنون میزبان مذاکرات غیرمستقیم بین ایران و آمریکا بوده و توافقات خوبی

نیز از کانال این کشور حاصل شده‌است. توافقاتی که تبادل زندانیان در روزهای اخیر را می‌توان بخشی از آن دانست و به نظر می‌رسد قرار است دامنه این تبادلات به زندانیان ایرانی-آمریکایی نیز تعمیم پیدا کند.

در همین رابطه ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت خارجه در نشست ۲۲ خرداد ماه در محل ایسن وزارت خانه برگزار می‌شد موضوع تبادل زندانیان با آمریکا را نیز مورد اشاره قرار داد و امیدواری‌اش برای تحقق این اتفاق را اینگونه ابراز داشت: «امیدواریم شاهد این اتفاق باشیم؛ تلاش‌هایی با نگاه به جنبه انسانی این موضوع انجام داده‌ایم؛ مذاکرات هم از طریق



واسطه‌ها ادامه دارد. در صورتی که طرف مقابل هم این جدیت را از خود نشان دهد، این رخداد می‌تواند در آینده نزدیک اتفاق بیفتد. مس‌منتظر نتیجه‌دهی از طریق گفت‌وگوی میانجی‌ها هستیم. اکنون موضوع به طرف مقابل بستگی دارد، توافق می‌تواند بسیار نزدیک باشد. با توصیفات که بیان شد توافق عمان را می‌توان مقدمه‌ای برای رسیدن به توافق احتمالی احیای برجام برشمرد، اما عدم‌ثبات رفتاری طرف‌های غربی در چندماه اخیر نشان می‌دهد نباید از اطمینان از رسیدن به توافق صحبت به میان آورد. تنها چیزی که با اطمینان می‌توان راجع به آن صحبت کرد این است که توانمندی ایران در کنترل

گزارش

فرهنگستان در چند سال اخیر که حضور مردم در فضای مجازی بیش از گذشته شده است، بالطبع دسترسی به اطلاعات و اخبار، راحت‌تر و سریع‌تر از پیش شده‌است.

در برخی موارد هم مردم خود به تولیدکنندگان اخبار تبدیل شدند که این موضوع، هم با مزیت‌هایی همراه است، هم آسیب‌هایی به همراه دارد. درباره وجه مثبت ماجرا می‌شود گفت که در این فضا پنهان کاری و انحصار اخبار در حال تبدیل شدن به امری محال است و می‌توان آن را گامی در جهت تحقق شفافیت دانست. از طرفی اما این مدل انتشار خبر این امکان را پدید می‌آورد که روایت‌های جعلی که به قصد تخریب یا عقده‌گشایی‌های شخصی یا جناحی منتشر می‌شود، امکان انتشار پیدا کند و بدون صحت‌سنجی، مورد پذیرش هم قرار بگیرد. رکن کنترل انتشار این مدل روایت‌ها این است که نهادهای رسمی در مواردی که نیاز است، به‌قدری شفاف و به دور از ابهام عمل کنند که امکان منور و جعل خبر به اشخاص داده نشود. با توجه به این موارد اخیراً یک فعال رسانه‌ای که پیش از این سابقه افشاگری‌ها و طرح ابهامات زیادی را داشته است، اسنادی را منتشر کرد که مطابق آن مدعی بود سازمان اوقاف و امور خیریه در اجاره دادن یکی از اموال خود در استان قزوین مرتکب فساد شده‌است. انتشار این خبر جوی را در میان افکار عمومی به راه انداخته است که پاسخ‌های تک‌خطی اوقاف تنها قدرت مهار آن را نداشته بلکه به تهمیج فضای به وجود آمده نیز دامن زده است. شاید اگر از ابتدا با بررسی از نهادهای اقتصادی برخورد حیاط‌خلوتی صورت نگیرد و ایسن میزان پنهان کاری وجود نداشته باشد، ابهاماتی مشابه آنچه اکنون به وجود آمده، هیچ‌وقت قدرت بروز پیدا نمی‌کرد. ابهاماتی که یک فعال رسانه‌ای آن را ایجاد کرد و اکنون سوءاستفاده رسانه‌های معاند از آن نیز اجتناب‌ناپذیر است. در ادامه ضمن تشریح این ماجرا، آسیب‌هایی که این مدل مواجهه به همراه دارد را بررسی کرده‌ایم.

ماجراهای حسینیة امینی‌ها

دو روز پیش یکی از فعالان مجازی، اسنادی از واگذاری موقوفات به یکی از بستگان رئیس سازمان اوقاف منتشر کرد و نوشت: «یکی از بزرگ‌ترین موقوفات چندصده‌کناری استان متعلق به حسینیة امینی‌ها با اجاره ماهی یک میلیون تومان بدون پول پیش به خانم مونا چایچیان واگذار شده است.» مونا چایچیان فردی است که این فعال رسانه‌ای او را عروس سیدمهدی خاموشی، رئیس سازمان اوقاف و امور خیریه معرفی کرده و با استناد به این نسبت فامیلی ادعای فساد اقتصادی را در مورد خاموشی مطرح می‌کند.

اداره اوقاف قزوین در واکنش به این اتهامات و انتشار اسنادی درباره واگذاری ملک موقوفه به یکی از بستگان رئیس اداره اوقاف، یک اطلاعیه منتشر کرد که در بخشی از

ماجرای اخیر اوقاف بار دیگر خلأ زیرساخت‌های شفافیت در کشور را نشان داد

مکافات خاموشی شفافیت

اسناد را کافی ندانسته و به‌نظر می‌رسد، ابهامات نسبت به این موضوع به قوت خود باقی است.

سازمان اوقاف پاسخ قاطع و صریح بدهد

اداره اوقاف قزوین در پاسخ به شبهه‌ای که درباره واگذاری اموال اداره اوقاف به یکی از بستگان رئیس اداره اوقاف مطرح شده، در اطلاعیه‌ای نوشته است «واگذاری اراضی موقوفه توسط موقوفات صورت نمی‌گیرد.» در بخش دیگری از این اطلاعیه آمده است: «معامله شرکت روزبه‌آه با خانم چایچیان قبل از انتصاب آقای سیدمهدی خاموشی به ریاست سازمان اوقاف و به سال ۱۳۹۵ برمی‌گردد، درحالی که انتصاب ایشان به ریاست سازمان در سال ۱۳۹۷ صورت گرفته است.» طبیعتاً این گونه استدلال‌های تک‌خطی و کلی‌گوییانه نمی‌تواند التهایی را که در فضای افکار عمومی ایجاد شده فرونشاندن و اتهامی را که نسبت به یکی از نهادهای مهم اجرایی کشور مطرح شده از اذهان پاک کند. فشار افکار عمومی این مطالبه را از سازمان اوقاف به وجود آورده که اگر استدلال‌های محکمی در رد موضوع اتهام مطرح شده، دارند آن را به صورت کامل و جامع توضیح داده و صرفاً با طرح گزاره‌هایی همچون شکایت از فرد افشاکننده، اصل موضوع را به حاشیه نرانند.

آسیب‌های مدیریت غیرشفاف

مسئله رفتاری که در اداره اوقاف با برخی دیگر از نهادهای دیده می‌شود و شفافیتی که درباره اقدامات مالی و معاملات مالی وجود ندارد و پاسخ‌های مبهمی که به شایعات و اتفاقات داده می‌شود، چند آسیب را به همراه دارد؛ اول اینکه مردم را نسبت به سازمان‌های مختلف بدبین می‌کند، به‌طور مثال در مورد ماجرای اوقاف هر گونه اتهام فساد این فرض را به ذهن برخی افراد متبادر می‌کند که احتمالاً باهمه اموال و املاک موقوفه در این سازمان این‌طور برخورد می‌شود. این موضوع مستقیماً به فرهنگ وقف آسیب می‌زند و اعتماد مردم را نسبت به این نهاد کم‌رنگ می‌کند. از طرفی هم این بدبینی و بی‌اعتمادی به همه نهادهای حاکمیتی تسری پیدا می‌کند و به چشم‌اینکه در دیگر نهادهای هم حتماً این چنین فسادهایی وجود دارد، به‌ماجرانگاه می‌شود. این مدل برخورد ابهام‌آمیز میدان را برای ورود افرادی باز می‌کند که با نیت‌های سوء سیاسی و عقده‌گشایی‌های جناحی به‌دنبال افشاگری این اتفاق‌ها می‌روند؛ افرادی که در حداقلی‌ترین حالت از این حاشیه‌سازی‌ها برای کسب شهرت استفاده می‌کند و در مواردی هم با هدف باج‌گیری به انتشار ادعاهای اینترنتی می‌پردازند. برای مثال فعال مجازی‌ای

اسما فارغ از ایرادات و ابهامات اجرایی موجود در این طرح، صرفاً شفاف‌سازی آرا و مصوبات مجمع تشخیص را محل ایراد قرار داده بود. غارمراضا مصباحی مقدم، عضو مجمع تشخیص درباره علت وجود اختلاف بین مجلس و مجمع در مورد طرح شفافیت قوای سه‌گانه گفته است: «طبق قانون اساسی تمامی قوانین مجمع تشخیص مصلحت نظام باید توسط خود مجمع تدوین و به تأیید شخص رهبری برسد، لذا طبق قانون اساسی، مجلس شورای اسلامی نمی‌تواند برای مجمع تشخیص قانون وضع کند و این خلاف قانون اساسی است. به همین دلیل بحث مربوط به شفاف‌سازی آرا و مذاکرات مجمع تشخیص و ارائه آن به مجلس شورای اسلامی همان‌طور که شورای نگهبان تشخیص داده است خلاف قانون اساسی است.» اینکه مجمع تشخیص فارغ از ایرادات بسیار این طرح صرفاً شفافیت خود را برزتابیده و آن را به‌عنوان موضوع اصلی اختلافات مطرح می‌کند، باعث می‌شود این تلقی در بین افکار عمومی شکل بگیرد مجمع تشخیص نیز چون مجلس به‌دنبال فرار از شفافیت است. فارغ از اینکه به لحاظ منطقی شفاف شدن مجمع تشخیص امر درستی است یا نه، آنچه باعث ایجاد برانگیختگی و حساسیت در جامعه می‌شود تلاش نهاد برای شفافیت است، حال آنکه شورای نگهبان و مجمع تشخیص با استناد به دلایل بسیار دیگری نیز می‌توانست مانع از تصویب مصوبه برپایرد مجلس شوند. مطالبه شفافیت صرفاً بهارستان‌نشینان را هدف قرار نداده است. شورای نگهبان دیگر نهادی است که به‌ویژه پس از ردصلاحیت‌های پرباهم در مورد چهره‌های شاخصی همچون علی لاریجانی در این باره مورد مطالبه قرار گرفته است. به‌ویژه اینکه خود علی لاریجانی بارها در صفحات شخصی‌اش در شبکه‌های اجتماعی مطالبه شفاف‌سازی دلایل رد صلاحیتش از جانب شورای نگهبان را مطرح کرده بود. نهایتاً با عدم تحقق این مطالبه خود لاریجانی نامه دلایل رد صلاحیتش را که مهر محرمانه روی آن خورده بود، علنی ساخت و این دلائل را مورد انتقاد علنی قرار داد. عدم تمکین نهادهای مختلف به مطالبه شفافیت باعث شده جامعه بیش از پیش نسبت به این واژه حساسیت نشان دهد و خواهان تحقق آن باشد. زمانی که این مطالبه کلان حتی در ابعادی حداقلی تحقق پیدا نمی‌کند طبیعتاً آسیب‌های آن در ایجاد ناامیدی اجتماعی نیز شدت می‌یابد و این ناامیدی زمانی بیشتر می‌شود که مردم اطلاعات محرمانه را از کانال افشاگرهای فساد متوجه شوند. آن هم افشاگرانی که از فقدان سقف شیشه‌ای روی اتاق مدیران سوءاستفاده می‌برند و صرفاً به بیان نقاط سیاه می‌پردازند. شاید تیرگی‌های بخش کوچکی از واقعیت باشد اما نبود شفافیت باعث می‌شود در فضای افکار عمومی تنها این نقاط سیاه و تیره همچون خاری در چشم مردم فروبروند و قلب کسانی که در میانه جنگ اقتصادی با انبوهی از مشکلات معیشتی دست‌وپنجه نرم می‌کنند، چرخه‌دار شود.

وسواس شفافیت

پیش‌تر چندین بار به موضوع طرح شفافیت آرای نمایندگان مجلس و سرنوشتی بی‌سرانجام آن نوشته‌ایم. طرحی که برخلاف وعده انتخاباتی نمایندگان هیچ‌وقت به تصویب نرسید و جای خود را به طرحی پر ایراد و کلی‌گوییانه به اسم طرح شفافیت قوای سه‌گانه داد و نهایتاً ابهامات و ایرادات بسیار این طرح باعث شد شورای نگهبان آن را به مجلس برگرداند. مجمع تشخیص هم برای رفع اختلافات به این طرح وارد شد